



کیوان بالاسرای

سه هیچ به دفع

دیدار

۴۴

ش ۱۱۸



مرتبط با سازمان انرژی اتمی شده و در سن ۳۱ سالگی ربوده شده، چطور می‌تواند اطلاعاتی محرمانه از مسائل اتمی ایران داشته باشد.

این در حالی‌ست که در مسائل بین‌الملل و موارد امنیتی، صرف حضوری ده ساله در ارگانی خاص را نمی‌توان به منزله در اختیار داشتن اطلاعاتی آن‌چنان ناب به حساب آورد.

از طرف دیگر آزادسازی شهرام امیری، چشمه‌ای دیگر از اقتدار سازمان‌های امنیتی ایران بود که پس از دستگیری ریگی و آزادسازی دیپلمات ربوده شده ایران در پاکستان، سومین عملیات مقتدارانه سربازان گمنام امام زمان محسوب می‌شود.

همچنین بحث پرداخت غرامت ۵ میلیون دلاری از طرف سازمان سیا به شهرام امیری، به معنای پذیرفتن نقض آشکار حقوق بشر از سوی این سازمان بوده و اعترافی‌ست علنی به ضعف سازمان‌های جاسوسی آمریکا در مقابل سیستم‌های امنیتی ایران.

شاید در نظر اول، ربودن شهرام امیری و سپس آزادسازی او [به اصطلاح رسانه‌های غربی؛ گریختن او... اما شما بخوانید آزادسازی او توسط نیروهای امنیتی ایران] در ابعاد امنیتی به چشم نیاید. اما لازم است کمی با دقت بیشتر به قضیه نگاه کرد.

سال گذشته که شهرام امیری توسط سازمان امنیتی آمریکا و به کمک سازمان امنیتی عربستان ربوده شد، با این توجیه مواجه بودیم که شهرام امیری به عنوان یکی از مطلعین پرونده اتمی ایران درخواست پناهندگی به آمریکا را داشته و هیچ ربایشی در کار نیست!

البته این حرف‌هایی بود که از سوی رسانه‌های غربی مطرح می‌شد.

بعدها مقامات آمریکایی با ژستی پیروزمندانه، دستگیری امیری را به عنوان موفقیتی بزرگ در راستای دسترسی به اطلاعات محرمانه اتمی ایران قلمداد کردند.

اما واقعیت چیست؟

حقیقت این است که دولت آمریکا در زمان «جرج بوش» تصمیم داشت با در دست داشتن مهره‌های کلیدی و گروگان گرفتن چند نفر از عناصر اصلی سازمان انرژی اتمی ایران، ضربه‌ای مهلک (البته به تصور خودشان) به سیستم امنیتی ایران وارد کنند.

اما شهرام امیری که در سنین نوجوانی دکترای فیزیک هسته‌ای خود را اخذ کرده و در سن ۲۱ سالگی موفق به گرفتن پستی مهم در سطوح عالی یکی از نهادهای

